

مشری کافه خیابان وسط

لکه روی روزنامه



مهرداد حجتی

● انبوهی روزنامه روی میز است که «دست‌چی» از راه می‌رسد. به محض نشستن روی صندلی رو به «دست‌راستی» می‌گوید: «چه شده؟ دمقی؟» «دست‌راستی» آهی می‌کشد و می‌گوید: «بالاخره کار خودشان را کردند و جایزه دادند». دست‌چی: «می‌خواستی جایزه ندهند؟» دست‌راستی: «مگر نشینیدی بهروز افخمی چه گفته؟» دست‌چی: «چه گفته؟» دست‌راستی: «گفته «کن» جشنواره دگرباش‌ه‌است». دست‌چی: «این را فقط ایشان فهمیده؟ این همه سال، این همه آدم که به آن جشنواره رفته‌اند نفهمیده‌اند؟ حالا بگو ایشان فهمیده‌اند؟» دست‌راستی: «فهمیده‌اند دیگر». دست‌چی: «با این حساب باید گفت تا حالا هرکس به آن جشنواره رفته یک عیب و ایرادی داشته؟» دست‌راستی: «نکده است خودش نداشته باشد. اما آنجا دارد». دست‌چی: «شما که همان حرف را می‌زنی». دست‌راستی: «من می‌گویم نباید از چنین جشنواره‌ای جایزه گرفت. وقتی بگیری یعنی تأییدشان کرده‌ای». دست‌چی: «یعنی شما قبول کرده‌اید آنجا چنین جشنواره‌ای است؟» دست‌راستی: «افخمی گفته». دست‌چی: «مگر حرف افخمی سَندَ است؟» دست‌راستی: «لاید هست». دست‌چی: «اگر هست پس همه هنرمندانی که در آن جشنواره شرکت می‌کنند به نحوی دگر باش‌اند؟» دست‌راستی: «من نمی‌گویم». دست‌چی: «اما منظورت که هست؟» دست‌راستی: «هنر برداشتی می‌خواهی بکن». دست‌چی: «دقت کرده‌ای حرف‌زدنت مثل گرایشت نیست؟!» دست‌راستی: «راست؟» دست‌چی: «خوب است که فهمیدی». دست‌راستی: «این نظر شماس». دست‌چی: «نظر شما این‌طور نیست؟» دست‌راستی: «نظر من همان نظر بهروز افخمی است». دست‌چی: «چه نظری؟» «اینکه جریان روشنفکری ما وارده و جشنواره زده است و سینمای روشنفکر هم نه خطری دارد، نه خاصیتی. نه به درد کسی می‌خورد و نه سانسور کردن آن به زحمتش می‌آرزد. خلاصه این وضعیت ماست، وضعیت کسانی که واداده‌اند». دست‌چی: «اینها حرف‌های شماس؟» دست‌راستی: «حرف‌های افخمی است». دست‌چی: «لاید با این حرف‌ها می‌خواهی بگویی.» «اصغر فرهادی» واداده است؟» دست‌راستی: «اگر سینمایش روشنفکری باشد». دست‌چی: «به چه سینمایی می‌گویی روشنفکری؟» دست‌راستی: «سینمایی که جشنواره‌بُشد باشد و غربی‌ها از آن خوش‌شان بیاید». دست‌چی: «فیلم «پچه‌های آسمان» چه؟ روشنفکری بود؟» دست‌راستی: «نه. اتفاقا فیلمی ارزشی بود. دست‌چی: «اما فیلم فین به‌اسکار». رفت و کاندیدای جایزه هم شد. این فیلم چه می‌شود؟» دست‌راستی سکوت می‌کند. فغان قهقواش را با تردید برمی‌دارد که به دهان ببرد. بعد انگار چیزی به خاطرش آمدن متصرف می‌شود. فغان را روی میز می‌گذارد و می‌گوید: «پچه‌های آسمان» را دولت اصلاحات به «اسکار» فرستاد». دست‌چی: «کار بدی کرد؟» دست‌راستی: «مستولیش با آنهاست». دست‌چی: «گفتم که…». دست‌راستی: «راست نیست؟» دست‌چی: «دیگر لازم نیست من بگویم». دست‌راستی: «دلگیر نمی‌شوم. بگوید. هر چه می‌خواهید بگوید. این از عصبانیت شماس». دست‌چی: «اما کسی که عصبانی است شمایند نه من؟» دست‌راستی: «من چرا باید عصبانی باشم؟» دست‌چی: «به‌خاطر جایزه‌دادن به فیلم «اصغر فرهادی» دست‌راستی: «عصبانی نیستم اما ناراحتم». دست‌چی: «ناراحتی هم دارد. لاید. دست‌راستی: «دست می‌اندازید؟» دست‌چی: «مرد حسابی فیلم‌سازمان جایزه نگیرد که مبدا شما ناراحت شوید؟» دست‌راستی: «کارشان خوب نبود». دست‌چی: «کدام کار؟ اینکه فیلم ساخته‌اند؟ یا اینکه در جشنواره شرکت کرده‌اند؟» دست‌راستی: «افخمی می‌گوید از اولش اینها به قصد جشنواره فیلم می‌سازند. می‌گوید هدفشان ژست روشنفکری و فرش فرمز است». دست‌چی: «می‌خواهید نسانند؟» دست‌راستی: «برای جشنواره نسانند». دست‌چی: «لاید انتظار داری آنها هم بگویند چشم نمی‌سازیم؟» خنده‌اش گرفته است. کارسون را صدا می‌کند و «اسپرِسو» سفارش می‌دهد. بعد ادامه می‌دهد: «و اگر به حرف شما اعتنا نکنند چه؟» دست‌راستی: «افخمی گفته در برنامه «هفت» سعی می‌کند تا جایی که امکان دارد آنها را دست‌ بیندازد و نقطه ضعف‌شان را مطرح کند». دست‌چی: «این‌طور می‌خواهد سینما را متحول کند؟ یا دست‌انداختن؟» دست‌راستی: «نوی همین روزنامه گفته. خودت بخوان». و با کف دست روی روزنامه‌ای که روی همه روزنامه‌ها گذاشته می‌کوبد. به شکلی که توجه همه مشتریان کافه به او جلب می‌شود. دست‌چی می‌گوید: «پس خودتان به «اصغر فرهادی» بگوید چه بسازد تا دیگر اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها از فیلم‌های او خوششان نیاید و او را به جشنواره‌هاشان دعوت نکنند. این‌طوری خیال‌تان راحت می‌شود و دیگر این‌قدر هم دلوایس نمی‌شوید». دست‌راستی: «دلوایسی هم دارد این کاره». دست‌چی: «خوب شد دلیل دلوایسی شما را هم فهمیدم. چیز دیگری شما را دلوایس نمی‌کند؟» دست‌راستی: «مثلا چه؟» دست‌چی: «مثلا خبری که فساد افتخارهای بزرگ؟» دست‌راستی با خشم برمی‌خیزد و روزنامه‌اش را لوله می‌کند و روی میز می‌کوبد. فغان قهوه‌اش واژگون می‌شود و همه روزنامه‌ها را لکه می‌کند. دست‌چی به آرامی نهیب می‌زند: «اگر بتوانید خودتان را کنترل کنید دیگر این‌طور نمی‌شود که بزید همه روزنامه را هم خراب کنید. آخر این چه رفتاری است؟»

سحر آزاد: چند روزی از آزادسازی خرمشهر گذشته اما عکس‌های جنگ ایران و عراق هم‌زمان با این واقعه مخاطبانی از کشورهای دیگر نیز داشت. مجموعه عکس‌های بهمن جلالی و آرش حنایی در دومین دوره فتولندن به نمایش درآمدند. فتولندن که برای اولین‌بار در سال گذشته راه‌اندازی شد، امسال نیز از ۱۸ می (۲۹ اردیبهشت) به مدت چهار روز با حضور ۸۰ گالری از نقاط مختلف جهان همچون اروپا، آمریکای شمالی و حتی شهرهایی مانند بونونس آیرس، بیروت، هنگ‌کنگ، توکیو، تهران و دوبی با بیش از ۴۸۰ هنرمند در سامرست هاوس لندن گشایش یافت.

شبکه سی‌ان‌ان در گزارشی که از این رویداد منتشر کرده چنین نوشته است: «این نمایشگاه نشان می‌دهد چقدر محبوبیت عکاسی نه‌تنها در درک عمومی بلکه مهم‌تر از آن در بازار هنری افزایش یافته است. این موضوع از آن رو جذاب است که لندن مکانی است که واژه «فوتوگرافی» (عکاسی) در آن ابداع شده؛ بنابراین این رشته در چنین جایی پیشینه‌ای اصیل و غنی دارد. همچنین مایکل بنسون، کارگردان و پایه‌گذار نمایشگاه فتولندن به این شبکه چنین گفته است: «عکاسی واقعا هنر قرن بیستم است. فکر می‌کنم کمی حواسمان به کاری که انجام می‌دادیم باید پس مکان‌هایی مثل نیویورک احتمالا به قلب عکاسی تبدیل شده است. آرزوی ما برای فتولندن بالا بردن سطح عکاسی است و این امر در چند سال آینده محقق می‌شود».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به ورود تکنولوژی در عکاسی اشاره کرد: «تکنولوژی به هرکس امکان می‌دهد تا برای به‌وجودآوردن

سپین سلیمانی: خراسان مهد موسیقی مقامی است و شهرستان قوچان با وجود استادانی چون حاج‌قراب سلیمانی و حاج‌حسین یگانه مانند نگینی می‌درخشد؛ سازهای جشنواره موسیقی مقامی با عنوان «پیران چنگی» بالاخره بعد از ۱۳ سال کوک شدند، اما در شکسته‌شدن این سکوت ۱۳ساله خاموشی سازهای زنان هنرمند نیز درخور توجه و جای خالی آنها پیدا بود؛ باین‌همه همچنان صدای لالایی‌های مادران این دیار در سازهای سکوتشان طنین‌انداز خواهد بود.

جشنواره موسیقی مقامی «پیران چنگی» ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت با شرکت ۳۰ گروه از هنرمندان نواحی استان‌های گلستان، بوشهر، آذربایجان، لرستان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و خراسان رضوی برگزار شد؛ علی‌مردخانی، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این جشنواره تأکید کرد باید دبیرخانه دائمی جشنواره پیران چنگی در قوه تأسیس شود، اما برگزاری این جشنواره بعد از ۱۳ سال علاوه بر اینکه موجب خوشحالی هنرمندان شد، از سوی دیگر با کمبودهایی نیز مواجه بود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. در همین رابطه عضو هیات‌مدیره انجمن موسیقی قوچان و سرپرست گروه موسیقی «آساک» گفت: جشنواره پیران چنگی در سال ۷۸ برگزار شد. این جشنواره تا سال ۸۱ با استقبال بسیار پرشور مردم برگزار می‌شد، ولی پس از آن ۱۳ سال این جشنواره برگزار نشد. علت وقفه بیشتر مشکلات مالی بود البته تغییر در تشکیل دولت‌های جدید نیز شاید تأثیر داشت و با تلاش و همت مسئولان و نماینده شهر در سال جاری برگزار شد.

سامرست هاوس لندن میزبانی کرد

عکس‌های «جلالی» و «حنایی» در «فتولندن»



فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن

فتولندن